

سلام الله على من
آمن به



دانشکده علوم انسانی

گروه جغرافیا

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه

اتمی ایران (2008 - 2000)

استاد راهنما:

دکتر پیروز مجتهد زاده

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا حافظنیا

احمد رشیدی نژاد

اسفند 1388

در آغاز بر خود لازم می‌دانم از زحمات بی‌دریغ پدر و مادر گرامی‌ام و کلیه کسانی که در دوران تحصیل همواره مشوق و پشتیبان اینجانب بوده‌اند کمال تشکر را بنمایم. همچنین از زحمات اساتید محترم، دانشجویان صمیمی و کارکنان مهربان دانشگاه تربیت مدرس کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

به پاس همه حمایت‌ها و پشتیبانی‌های برادر عزیزم محمود در دوران تحصیل در دانشگاه این پایانامه را به ایشان تقدیم می‌نمایم.

چکیده

بیش از چند سال است که برنامه اتمی ایران و تحولات مرتبط با آن در کانون توجه جهانی قرار داشته و به یکی از مهمترین چالش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در کنار نقش موثر و فعال اتحادیه اروپا سهم دو کشور دیگر یعنی ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه در روند بحران غیر قابل انکار است. نقش و موضع روسیه اما دارای ماهیتی کاملاً متفاوت است. این کشور از یک سو خود را شریک نگرانی‌های غرب از قدرت سلاح هسته‌ای ایران نشان داده و بر همین پایه در همکاری‌های خود با ایران جانب احتیاط کامل را گرفته است و از طرف دیگر خود را همچنان طرفدار ایران و مخالف شدت عمل نظامی علیه کشورمان جلوه می‌دهد. چنین موقعیتی موجب شده تا برخلاف موضع واشنگتن که در تقابل اساسی با برنامه هسته‌ای ایران از صراحت و قاطعیت برخوردار است، مواضع مسکو مبهم، دو پهلو و غیر قابل پیش بینی ارزیابی گردد. آنچه که مسلم است این است که روسیه با اتخاذ سیاست تاخیری در پی طولانی کردن این بحران است. لذا اساس این پژوهش این سوال است که، اساس شکل‌گیری سیاست تاخیری روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران چه بوده است؟ نتایج حاصل از پژوهشی به روش کتابخانه‌ای - اسنادی و همچنین نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران در رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه: به نظر می‌رسد که اساس شکل سیاست تاخیری روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران رقابت ژئوپلیتیکی همزمان این کشور با رقبای منطقه‌ای (ایران) و جهانی (با غرب) می‌باشد را به اثبات رساند.

کلید واژه: ایران، روسیه، انرژی اتمی، غرب، سیاست تاخیری، ژئوپلیتیک، رقابت

فہرست مطالب

صفحہ

عنوان

فصل اول: مقدمہ و کلیات طرح تحقیق

- 1-1) مقدمہ 1
- 2-1) روش تحقیق 2
- 1-2-1) تعریف مسئلہ 2
- 2-2-1) سئوال اصلی تحقیق 4
- 3-2-1) سوالات فرعی تحقیق 4
- 4-2-1) فرضیہ تحقیق 5
- 5-2-1) روش گردآوری اطلاعات 5
- 6-2-1) جنبہ نوآوری تحقیق 5
- 7-2-1) اہداف تحقیق 6

فصل دوم: ادبیات و مباحث نظری

- 1-2) پیشینہ تحقیق 8
- 1-2) تاریخ تحول ژئوپلٹیک 9
- 2-2) تعریف ژئوپلٹیک 13
- 3-2) سیاست خارجی 17
- 4-2) تحلیل ژئوپلٹیکی 19
- 5-2) استراتژی ژئوپلٹیکی 19

فصل سوم: موضوع فعالیت هسته‌ای ایران و نقش روسیه

- 21..... (1-3) تاریخچه روابط هسته‌ای ایران و روسیه
- 24..... (2-3) بحران اتمی ایران
- 27 (3-3) سیاست تأخیری روسیه در پرونده اتمی ایران

فصل چهارم: رقابت ژئوپلیتیکی ایران و روسیه

- 34 (1-4) نقش و تأثیرگذاری قدرت ثالث در روابط ایران و روسیه
- 35 (2-4) رقابت ایران و روسیه
- 36 (1-2-4) نگرانی از افزایش قدرت ایران در منطقه
- 38 (2-2-4) استراتژی خطوط انرژی
- 40 (3-2-4) تعارض در خزر

فصل پنجم: رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و غرب

- 46..... (1-5) وابستگی اقتصادی روسیه به غرب
- 49 (2-5) نفوذ غرب در حوزه نفوذ روسیه
- 51..... (1-2-5) گسترش ناتو به سوی شرق
- 54..... (2-2-5) انقلابات رنگی
- 56..... (1-2-2-5) وجوه مشترک انقلابات رنگی
- 58 (3-2-5) کنترل مسیرهای انرژی
- 64 (1-3-2-5) خط لوله نابوکو
- 65 (2-3-2-5) خط لوله باکو- تفلیس - جیهان

- 67 (3-3-2-5) خط لوله باکو- تفلیس - ارزروم
- 68 (4-3-2-5) خط لوله ترانس خزر
- 68..... (4-2-5) استقرار سپر دفاع موشکی
- 72 (5-2-5) استقلال کوزوو
- 77..... (6-2-5) بحران اوستیای جنوبی
- 79 (3-5) واکنش روسیه به توسعه نفوذ غرب
- 81 (1-3-5) پیمان شانکهای
- 83 (2-3-5) سیاست خاور میانه ای روسیه ..
- 88..... (3-3-5) اهرم انرژی
- 90 (1-3-3-5) اوکراین
- 91 (2-3-3-5) بحران گرجستان
- 94 (4-3-5) را هکارهای روسیه جهت انحصار بازار انرژی
- 96 (1-4-3-5) درگیر کردن تقاضا
- 94..... (2-4-3-5) درگیر کردن عرضه
- 100..... (3-4-3-5) استراتژی خنثی کردن واسطه ها
- 101..... (4-4-3-5) خنثی کردن رقابت
- 104..... (5-4-3-5) همگرایی در سطح خارجی
- 105..... (6-4-3-5) اوپک گازی
- 107..... (7-4-3-5) بازی روسی
- 107..... (8-4-3-5) سیاست نزدیکی به اوپک

109..... 9-4-3-5) مخالفت با منشور انرژی اروپا

فصل ششم: تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

111..... 1-6) تجزیه و تحلیل و ارزیابی فرضیه‌ها

113 2-6) ارزیابی فرضیه فرعی اول

114 1-2-6) مبحث اول: عدم رقابت در ترانزیت انرژی منطقه آسیای مرکزی و خزر

114 2-2-6) مبحث دوم: روبه رو نشدن با گزینه جنگ با ایران

119 3-2-6) مبحث سوم: روبه رو نشدن با گزینه ایران اتمی

122 3-6) ارزیابی فرضیه فرعی دوم

122 1-3-6) مبحث اول: انرژی

123 2-3-6) مبحث دوم: اهرمی جهت به چالش کشیدن آمریکا

125 3-3-6) مبحث سوم: اهرمی جهت چانه زنی

128..... 4-6) آستانه تحمل سیاست تاخیری از سوی روسیه

131..... 5-6) نتیجه گیری

133..... منابع

145..... چکیده انگلیسی

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

1-1) مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران و تحولات مرتبط با آن در کانون توجه جهانی قرار داشته و به یکی از مهمترین چالش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در کنار نقش مؤثر و فعال اتحادیه اروپا سهم دو کشور دیگر یعنی ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه در روند بحران غیر قابل انکار است. موضع واشنگتن در قبال پرونده هسته‌ای ایران چشم‌انداز نیل به هرگونه توافق را تیره ساخته و با اعمال فشار به دیگر بازیگران صحنه مواضع آنان را به خود نزدیکتر نموده است. نقش و موضع روسیه دارای ماهیتی متفاوت است. مسکو از یک سو به مثابه شریک هسته‌ای ایران ضمن ابراز علاقه به تداوم همکاری‌ها در اظهارات مقامات خود از موضع ایران حمایت می‌کند اما از سویی در محافل رسمی و غیررسمی به ویژه نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد با استناد به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی پای قطعنامه‌های صادره علیه ایران را امضا می‌نماید. روس‌ها در نقطه اوج چالش تهدید به وتوی قطعنامه شورای امنیت کرده خود را ناهمراه با غرب نشان داده و از برخی مواضع تهران حمایت می‌کند اما پس از مذاکره و امتیازگیری حداکثری همزمان از غربی‌ها و ایرانی‌ها و در بزنگاه رأی‌گیری در شورای امنیت علیه ایران با وتو نکردن قطعنامه مسیر اعمال فشار بر ایران را هموار می‌سازد. این تاکتیک تاکنون در چهار قطعنامه مصوب شورای امنیت برای تحریم ایران به کار برده شده است. اما روس‌ها پس از هر قطعنامه نه تنها از این شیوه عمل ابراز ندامت نکرده‌اند بلکه مستقیم و غیرمستقیم بابت نقش تعدیل‌کننده خویش در محتوای قطعنامه و شدت تحریم‌ها سخن گفته و به مقامات ایرانی وعده همراهی با تهران در آینده را می‌دهند. چنین موقعیتی موجب شده تا برخلاف موضع واشنگتن که در تقابل اساسی با برنامه هسته‌ای ایران از صراحت و قاطعیت برخوردار است، مواضع مسکو مبهم، دو پهلو و غیر قابل پیش بینی ارزیابی گردد (همان).

2-1) روش تحقیق

1-2-1) تعریف مسئله

از سال‌های گذشته موضوع تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی همواره از ادعاهایی بوده که از سوی دشمنان ایران و در کنار مواردی همچون نقض حقوق بشر و کمک به گروه‌های آزادیبخش مرتب تکرار شده است. اما از سال 2003 میلادی به این سو حجم فشار وارده از سوی غرب بر ایران در این محور طاقتم فرسا بوده است (گلشن پژوه، 1385: پیشگفتار). این بار تأمین سوخت نیروگاه اتمی بوشهر در داخل بهانه سیاست غرب نسبت به ایران شده است (ماهنامه خواندنی، 1387: 27) و به نظر می‌رسد گزینه ایران هسته‌ای به هیچ طریقی ظرفیت تحمل از سوی بازیگران جهانی خصوصاً اروپا و آمریکا را ندارد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با پافشاری بر حق قانونی خود جهت کسب نیروی هسته‌ای برای تأمین نیازهای روز افزون انرژی خویش تلاش غرب را کوششی سازماندهی شده برای عقب نگه داشتن ایران ترجمه نموده به همین خاطر و به واسطه سیاسی بودن فضای مذاکرات دو جانبه با گذشت زمان هر روز موضوع بغرنج تر و سنگین تر می‌شود (گلشن پژوه، 1385: پیشگفتار). در این بین روسیه به واسطه عدم حضور سایر کشورهای دارنده تکنولوژی هسته‌ای در پروژه هسته‌ای ایران از بعد از پیروزی انقلاب تاکنون به عنوان بازیگر اصلی در این عرصه ایفای نقش نموده است. براساس اولین تاریخ مورد توافق میان تهران - مسکو قرار بود این نیروگاه در هشتم ژوئیه 1999 میلادی تکمیل شود اما تاریخ بهره‌برداری از واحد اول نیروگاه اتمی بوشهر تاکنون بیش از 10 سال است که به تعویق افتاده است. دلیل تأخیر روسیه چیزی ورای مشکلات فنی و مالی (ادعایی روس‌ها در مورد بد قولی طرف ایرانی در پرداخت به موقع تعهدات پولی خود به روسیه) است که گاهاً مقامات روسیه عنوان می‌کنند. مجموعه سیاست خارجی این کشور در این زمینه تاکنون مشتمل بر سیاست‌های پیچیده و متناقضی از همکاری در ساخت تأسیسات هسته‌ای تا همراهی با کشورهای غربی در سیر جلوگیری از پیشبرد پروژه هسته‌ای را در بر گرفته است. این کشور از یک سو خود را شریک نگرانی‌های غرب از قدرت سلاح هسته‌ای ایران نشان داده و بر همین پایه در همکاری‌های خود با ایران جانب احتیاط کامل می‌گیرد و از طرف دیگر خود را همچنان طرفدار ایران و مخالف شدت عمل

نظامی علیه آن جلوه می‌دهد. در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت نیز وضعیت بر همین منوال بوده است. به طوری که از یک طرف با اعلام اینکه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نظارت کافی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد خواستار تداوم همکاری‌های هسته‌ای خود شده و در عین حال برای نزدیکی با غرب در موارد متعدد هم در روند برنامه صلح آمیز ایران خلل ایجاد کرده (مانند تأخیر در بهره برداری از نیروگاه بوشهر) و هم اینکه در رأی‌گیری‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران رأی به تحریم‌های هدفمند علیه کشورمان داده است. ضمن اینکه به دلیل منافع گسترده ارتباط با ایران شرایط را برای رضایت نسبی کشورمان نیز فراهم می‌کند. مثلاً از طریق تعدیل تحریم‌های مصوب مانع از بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران گردیده است (بالسینی، 1387: 95).

این نکته حائز اهمیت است که، اگر چه موضوع ساخت و تکمیل پروژه نیروگاه بوشهر از پرونده هسته‌ای ایران جداست و هر چند روسیه تلاش دارد مواضع خود را مستقل و به دور از فشارهای کشورهای غربی نشان دهد (بالسینی، 1387: 95) ولی واقعیت این است که این کشور به لحاظ سیاسی این دو مسئله را شدیداً به یکدیگر گره زده و ظاهراً تا زمانی که پرونده هسته‌ای ایران در آژانس خاتمه نیابد مایل به اتمام پروژه‌ی بوشهر نیست. از طرف دیگر متأسفانه از آنجا که ایران هیچ‌گونه اهرم فشاری بر روسیه ندارد کمترین واکنشی نسبت به تعویق مکرر تحویل نیروگاه نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال به دنبال اظهارات شرکت روسی مبنی بر تعویق ساخت نیروگاه به دلیل عدم پرداخت بدهی از سوی ایران مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور اعلام کرد که در صورت تأخیر روسیه ممکن است ایران به دنبال گزینه‌های دیگری برای اتمام آن برود. با این حال همان‌طور که رسانه‌های روسیه و خود مقامات روس اعلام کرده‌اند و حتی پوتین نیز در سفر خود به تهران در پاسخ به سؤالی به آن اشاره کرد ظاهراً گزینه جایگزین وجود ندارد. لذا بارها در مواضع خود اعلام کرده‌اند که روسیه نیازی به این طرح ندارد و در حال حاضر این شرکت روس قراردادهای بسیاری با کشورهای گوناگون برای ساخت نیروگاه دارد. و از پروژه به عنوان طرحی خسته‌کننده از نظر مالی، سیاسی، فنی و... نام برده‌اند. به دلیل گستردگی روابط روسیه با تمامی طرف‌های این مسئله و بخصوص با ایران نقش این کشور در این پرونده محوری محسوب می‌شود. علاوه بر آن مسکو با تقدیم پیشنهاد و ابتکار عمل‌های

مشخص برای حل و فصل این بحران نقش خود را حیاتی‌تر نیز نموده است. به نظر می‌رسد این امر ناشی از محاسبات مربوط به منافع ملی این کشور در سیاست پردازی‌های امور خارجی دولتمردان روسیه باشد که ریشه در ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این کشور دارد. لذا با توجه به نقش و جایگاه این کشور در این پروژه لزوم پژوهشی در مورد علل شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران ضروری می‌نماید.

2-2-1) سؤال اصلی تحقیق

با توجه به مسائل یاد شده در این تحقیق سعی شده است به این موضوع پرداخته شود که:

سؤال اصلی؛ اساس شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران چه بوده است؟

3-2-1) سؤالات فرعی تحقیق

همان‌طور که از عنوان این پژوهش بر می‌آید این پژوهش تحلیلی ژئوپلیتیکی است، لذا در این پژوهش به ریشه‌یابی دلایل ژئوپلیتیکی سیاست اتخاذ شده از سوی روسیه در رابطه با این موضوع پرداخته خواهد شد. قبل از هر چیز باید سیاست اتخاذ شده از سوی این کشور در رابطه با برنامه اتمی ایران مشخص گردد. لذا در جهت پیگیری سؤال اصلی تحقیق و اثبات فرضیه ارائه شده ابتدا باید سیاست اتخاذ شده در رابطه با برنامه اتمی ایران مشخص گردد و سپس به ریشه‌یابی دلایل ژئوپلیتیکی آن پرداخته شود. در جهت اثبات ژئوپلیتیکی بودن سیاست اتخاذ شده از سوی روسیه نیز ابتدا به بررسی رقابت ژئوپلیتیکی این کشور با ایران در سطح منطقه‌ای و سپس به بررسی رقابت ژئوپلیتیکی این کشور در سطح جهانی با غرب (اتحادیه اروپا و آمریکا) پرداخته خواهد شد. سپس با ارائه دو سؤال فرعی دیگر که؛

آیا رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران و روسیه (در سطح منطقه‌ای) در شکل‌گیری سیاست تاخیری روسیه

در رابطه با برنامه اتمی ایران موثر بوده است؟ (سؤال فرعی اول)

آیا رقابت ژئوپلیتیکی بین روسیه و غرب (در سطح جهانی) در شکل‌گیری سیاست تاخیری روسیه در

رابطه با برنامه اتمی ایران موثر بوده است؟ (سؤال فرعی دوم) به آزمون فرضیه تحقیق پرداخته می

شود.

1-2-4) فرضیه تحقیق

جهت ارائه فرضیه اصلی ابتدا دو فرضیه فرعی به ترتیب در جواب دو سؤال فرعی بدین گونه ارائه می‌شود:

فرضیه فرعی اول: به نظر می‌رسد که، رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران و روسیه (در سطح منطقه‌ای) در شکل‌گیری سیاست تأخیری روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران موثر بوده است.

فرضیه فرعی دوم: به نظر می‌رسد که، رقابت ژئوپلیتیکی بین روسیه و غرب (در سطح جهانی) در شکل‌گیری سیاست تأخیری روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران موثر بوده است.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد که، سیاست تأخیری روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران متأثر از رقابت ژئوپلیتیکی همزمان این کشور در سطوح منطقه‌ای (با ایران) و جهانی (با غرب) می‌باشد.

1-2-5) روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق سعی شده است با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با تهیه فیش از کتب و نشریات موجود و همچنین مطالب موجود بر روی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران در رسانه‌ها، سؤال و فرضیه تحقیق مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و با توجه به شواهد و مستندات و با نگاه همه جانبه جهت دستیابی به نتایج نوین و سودمند به تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات پرداخته شده است.

1-2-6) جنبه نوآوری تحقیق

سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران از موضوعاتی مهمی است که تاکنون از دیدگاه ژئوپلیتیک به آن پرداخته نشده است و این تحقیق درصدد انجام آن است.

1-2-7) اهداف تحقیق

روسیه در یک دهه گذشته رفتارهای متفاوت و متناقضی را از خود در عرصه بین‌المللی نشان داده است و در مسائل حساس بین‌المللی بین مواضع اعلامی و رفتار عملی دارای تفاوت‌های بارزی بوده و واکنش‌های متفاوتی را در صحنه عمل از خود نشان داده است. عدم ایستادگی روسیه در مواضع

اعلامی و تغییر این مواضع یا عدم توانایی روسیه در مقابله با موضوعات بین‌المللی و بویژه در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران، باعث شده تا از طرفی نوعی عدم اطمینان به سیاست خارجی روسیه در عرصه بین‌الملل پیدا گردد؛ و از طرف دیگر شناخت رفتار سیاسی روسیه در عرصه بین‌المللی به یکی از موضوعات مهم در ادبیات سیاسی و بین‌المللی امروز جهان تبدیل گردد (موسوی، 1382: 675). با توجه به همسایگی جغرافیایی، روابط و مسائل گسترده فی مابین (بخصوص برنامه اتمی) و اهمیت این روابط در دستگاه سیاست خارجی ایران تا جایی که ایران روسیه را شریکی استراتژیک برای خود محسوب می‌کند. و با توجه به مشخصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مخالفت آن با قدرت‌های سلطه‌گر جهانی) و نیاز ایران به یک قدرت جهانی و بهره‌برداری از آن در مواقع لزوم خصوصاً در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، از آنجا که شناخت سیاست خارجی این کشور مهمترین قدم در راه تنظیم روابط با آن می‌باشد (صفری، 1384: 69) و همچنین از آنجا که اغلب صاحب‌نظران معتقدند که سیاست‌های استراتژیک یک کشور نمی‌تواند فارغ از واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ترسیم گردد (ثقفی عامری، 1379: 7). در نتیجه یافتن مرزهای دقیق مانور روسیه در ارتباط با روابط دو جانبه با ایران و غرب، محدوده سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران بر روی قول و فعل مقام‌های روسی را مشخص‌تر خواهد ساخت. لذا با توجه به نقش و جایگاه این کشور در سیاست خارجی کشورمان و بویژه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران لزوم پژوهشی ژئوپلیتیکی در مورد سیاست خارجی روسیه ضروری می‌نمود. به نظر می‌رسد شناخت واقع بینانه نسبت به سیاست خارجی کنونی روسیه و جایگاه آن در نظام بین‌الملل تصویر دقیق‌تری از روابط ایران و روسیه به ما ارائه خواهد نمود. در مجموع هدف از این تحقیق تلاش برای کاهش یا ارتقاء کاذب جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و غفلت از نقش آن در بحران هسته‌ای نیست بلکه هدف، ارائه تحلیلی واقع‌گرایانه از مواضع و دیدگاه‌های بازیگری عمده در صحنه سیاست خارجی کشور است.

فصل دوم

ادبیات و مباحث نظری

2-1) پیشینه تحقیق

براساس بررسی‌های به عمل آمده تاکنون هیچ‌گونه کتاب یا پایانامه‌ای در مورد سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران خصوصاً بصورت تحلیل ژئوپلیتیکی صورت نگرفته است. بعضاً در بعضی از روزنامه‌ها و یا سایت‌های اینترنتی اظهار نظرات غیرکارشناسی در این مورد صورت گرفته است که از آنجا که موارد مذکور فاقد اعتبار علمی لازم می‌باشند در اینجا به بررسی آنها پرداخته نمی‌شود. اما با این حال در حوزه روابط بین‌الملل بخش‌های کوچکی از یک پایانامه و مقاله‌ای بصورت مستقل به این موضوع پرداخته که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

1. آقای سید محسن حسینی در پایانامه خود با عنوان بررسی سیاست خارجی روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران (1991-2006)، که در دانشگاه شهید بهشتی تهران با راهنمایی دکتر محمود سریع القلم انجام داده است در قسمتی از پایانامه خود موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و سیاست خارجی روسیه در رابطه با آن را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این کشور بیش از هر چیز به دنبال تامین منافع حداکثری خود با استفاده از امتیازگیری از تمامی طرف‌های درگیر است.

2. آقای منوچهر مرادی نیز در مقاله‌ی خود که در ماهنامه ایراس چاپ شده است، از دیدگاه روابط بین‌الملل به بررسی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران پرداخته است. وی سیاست روسیه در قبال برنامه اتمی ایران را حرکتی در میانه دو گزینه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک می‌داند و معتقد است که مسکو ناچار است از یک سو به تعهدات خود در روابط با غرب پایبند باشد و از سوی دیگر به حمایت نسبی از ایران بپردازد. وی در این مقاله می‌نویسد؛ یکی از مهمترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است لکن در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک روسیه گزینه نخست را ترجیح خواهد داد.

2-2) تاریخ تحول ژئوپلیتیک

بشر متمدن از هنگام پیدایش امپراطوری‌های جهان‌گرا با نظام‌های ژئوپلیتیک جهانی سروکار داشته است. ازدیدگاه تاریخی تردیدی نیست که گرایش‌های ژئوپلیتیک از هنگامی آغاز گردید که قدرت‌های بزرگ با گرایش‌های جهانی پدیدار آمد (مجتهد زاده، 1381: 132). ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اگر چه همیشه از پدیده‌های محیط سیاسی بوده و حتی در نوشته‌های دوران تاریخی از ارسطو تا قرن نوزدهم و بیستم مورد اشاره قرار داشته است، به عنوان یک بحث دانشگاهی پیشینه کوتاه دارد، شاید چندان دور از واقعیت نباشد (مجتهد زاده، 1379: 64). اگر گفته شود که ((ژئوپلیتیک به عنوان مبحثی به مطالعه جغرافیا از دید سیاست و چگونگی بهره‌برداری حکومت‌ها از جغرافیا در پیشبرد اهداف سیاسی مربوط به منافع ملی کشورها و به منظور ایجاد موازنه مفید در بازی‌های قدرت می‌پردازد)) از هنگامی آغاز شد که آلکسی دوتوکویل فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم با نوشتن کتاب (آمریکا) تقسیم جهان سیاسی میان دو قدرت روسی و آمریکایی به عنوان دو قطب سیاسی جهانی را پیش‌بینی کرد. این کتاب که هنوز هم شهرت زیادی در دنیای فرانسه و انگلیسی زبان دارد در پیدایش مباحث جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک اثر ویژه‌ای داشت و پیشگامان مباحث ژئوپلیتیک همانند، رودلف کیلن سوئدی، آلفرد ماهان، سرهالفورد مکیندر انگلیسی، نیکلای اسپایکمن آمریکایی، ژاک آنسل فرانسوی، کارل هاوس هوفر آلمانی، تحت تأثیر این پیش‌بینی‌ها اندیشیدن در چگونگی شکل‌گیری یا شکل دادن جهان سیاسی را آغاز کردند و آنان را در اندیشیدن در تنظیم سیاست‌های جهانی بر اساس اشکال و چگونگی جغرافیایی گیتی تشویق کرد (مجتهد زاده، 1379: 64). اگر چه دانشمند علوم سیاسی و سیاستمدار محافظه کار سوئدی رودلف کیلن نخستین کسی بود که در چهارچوب یک بحث علمی جغرافیایی - سیاسی اصطلاح ژئوپلیتیک را در سال 1899 مورد استفاده قرار داد (مجتهدزاده، 1381: 135). با این حال کسی که انصافاً باید بنیان‌گذار جغرافیای سیاسی و مطالعات دانشگاهی ژئوپلیتیک شمرده شود فردریک راتزل آلمانی است. وی در کتاب جغرافیای سیاسی خود که در اواخر قرن نوزدهم منتشر شد، برای نخستین بار حکومت را از دید جغرافیا مورد مطالعه قرار داد (مجتهدزاده، 1379: 64). وی این اصطلاح را به بخشی از معلومات حاصله ناشی از

ارتباط بین جغرافیا و سیاست اطلاق کرد (حافظ نیا، 1385: 12) و در هنگام بیان نظریه‌ی خود تحت عنوان کشور موجود زنده با ارایه ساختاری پنج وجهی از کشور ساخت فیزیکی - فضایی را ژئوپلیتیک نامید (افشردی، 1381: 5).

بدون شک یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری ژئوپلیتیک در زمان راتزل (قرن نوزدهم میلادی) تفکرات طبیعیون و در رأس آن‌ها چارلز داروین بود که با ارائه نظریه تنازع بقا توجیه‌گر قدرت طلبی انسان و در مراحل بعدی قدرت طلبی کشورها گردید. کیلن سوئدی همین جنبه تفکرات راتزل را گسترش داد و با وضع واژه ژئوپلیتیک درصدد اشاعه آن برآمد (لورو و توال، 1381: پیشگفتار). کیلن ژئوپلیتیک را به عنوان علمی که کشور را ارگانیزی جغرافیایی و پدیداری موقت در فضا می‌داند مطرح می‌نماید (افشردی، 1381: پیشگفتار). به عبارت دیگر دولت‌ها را به توسعه محدوده‌های کشورشان تشویق کرد (لورو و توال، 1381: پیشگفتار). در واقع هدف او توجیه تصرف سرزمین‌های جدید برای قدرت‌های بزرگ است (افشردی، 1381: 6). ژئوپلیتیک در این مراحل به منزله شیوه ویژه‌ای از اندیشیدن علمی در محتوی پروژه امپریالیستی شماری از حکومت‌ها و قدرت‌های نیمه نخست قرن بیستم توانست جهانی اندیشیدن را در مطالعات سیاسی متداول سازد و دیدگاه‌های عمومی روشنی از جهان سیاسی به دست دهد. در همان حال این دانش توانست استراتژی‌های ویژه‌ای را برای رسیدن به اهداف مورد نظر در برابر رقیبان در اختیار حکومت‌ها قرار دهد (مجتهدزاده، 1381: 30). نظریه‌های عمدتاً ژئواستراتژیکی دیدگاه حاکم بر ژئوپلیتیک اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم می‌باشند (همان: 130). این مرحله که دوران کلاسیک نامیده می‌شود و جنبه فضایی - سرزمینی دارند. منشأ افزایش قدرت دولت‌ها را صرفاً در تصرف و تسلط بر سرزمین و فضاها جغرافیایی دانسته و بر این باور است که هر چه اقتدار و نفوذ فیزیکی بیش‌تر باشد قدرت دولت بیش‌تر خواهد بود. از این رو تأکید بر نیروی نظامی و تأثیر آن برای کنترل و تصرف سرزمین‌ها امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردد (افشردی، 1381: 6). به اجمال نظریه راتزل در تئوری اورگانیزمیک بودن حکومت از سوی جانشینانش به تعبیرهای گوناگون گرفته شد و برای دوره‌ای نسبتاً دراز اندیشه مطالعه جغرافیایی پدیده سیاسی و مطالعه عمومی ژئوپلیتیک به این محدود شد که محیط چگونه بر انسان چیره

می‌شود و براندیشه انسان چگونه اثر می‌گذارد. از سوی دیگر پذیرفتن این باور در آلمان پس از قرار داد ورسای، (حکومت بیانیه یا چهره سرزمینی جامعه است) آن‌گونه که اوتوماول نگاشته است اثرگذاری پر دامنه و نیرومند احساسی ملی را سبب گردید. اندیشه‌های ماول که بر اصالت چیرگی روح سیاسی سرزمین بر انسان تکیه داشت. توأم با اندیشه‌های راتزل و هاوس هوفر به ژئوپلیتیک آلمانی دهه 1930-1940 انجامید (مجتهدزاده، 1379: 64). این دقیقاً بر خلاف تصور آن‌هایی است که تصور می‌کنند ظهور عمومی واژه ژئوپلیتیک مخلوق حزب نازی آلمان است. درست ده سال بعد از تشکیل مکتب ژئوپلیتیک در آلمان در 1918 شرایطی کاملاً متفاوت از نظر سیاسی حاکم بود که با کارل هاوس هوفر آغاز گشت و می‌توان آن را اولین جنبش نظری ژئوپلیتیکی لقب داد (ژیبلم و ایولاکست، 1378: 49). ژنرال کارل هاوس هوفر شاگرد راتزل مروج افکار استاد خود گردید و در آلمان شکست خورده (لورو و توال، 1381: پیشگفتار) که مناظره عمومی بین شهروندان آلمانی بوجود آمده بود که آیا باید ماده مربوط به جدا شدن بخشی از سرزمین آلمان را بپذیرند یا باید مقاومت نمایند (ژیبلم و ایولاکست، 1378: 50). با قانونمند دانستن تجاوز به سرزمین‌های همسایه به بهانه تأمین فضای حیاتی روح مبارزه و کشورگشایی را در جوانان آلمانی دمید. او با انتشار مجله ژئوپلیتیک و تأکید بر اینکه مرزهای کشور نباید دائمی و تغییر ناپذیر شود زمینه را برای قیام ملی در آلمان فراهم کرد (لورو و توال، 1381: پیشگفتار) تا جایی که هوفر در سال 1920 اعلام نمود ژئوپلیتیک وجدان جغرافیایی کشور خواهد شد و باید بشود (حافظ نیا، 1385: 24). نظریه جبر طبیعی در ژئوپلیتیک که بر اصل طبیعی بودن گسترش سیاسی کشورهای نیرومند و از میان رفتن کشورهای ضعیف کوچک استوار بود با کوردلی نژادی از سوی هیتلر و یاران نازی وی پی‌گیری شد (مجتهدزاده، 1379: 64). به دنبال جنگ افروزی آلمان و وقوع جنگ جهانی دوم و خسارات انسانی و مادی بسیار فراوان آن به مردم اروپا و بسیاری دیگر نقاط و نسبت دادن جنگ افروزی آلمان به تفکرات ژئوپلیتیکی (برادن و شلی، 1383: پیشگفتار) تقریباً به نابودی ژئوپلیتیک به عنوان یک مبحث دانشگاهی انجامید (مجتهدزاده، 1379: 64). و دوره انزوا سه دهه‌ای خود را تجربه کرد (برادن و شلی 1383: 12) و به عنوان یک اصطلاح و یا یک روش تحلیل منسوخ گردید (همان: 7) که طی آن هیچ‌گونه صحبتی از این رشته به میان نمی‌آمد